

شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

درآمد

پیش از ارائه «شاخصه‌های دین‌داری»، بیان چند نکته ضروری است تا زوایای بحث، برای خوانندگان بیشتر روشن شود:

الف. مسلمانی و متدین بودن، تنها به عقیده قلبی و ایمان باطنی نیست؛ بلکه عمل نیز جزئی از ایمان است. در روایات متعددی، ایمان به عنوان «عقیده قلبی»، «اقرار زبانی» و «عمل با اعضا» معرفی شده است؛ حضرت امیر علیه السلام فرموده: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^۱ و یا در سخن دیگری از آن حضرت، «عمل» به عنوان گواه «ایمان» به شمار آمده است: «الْإِيْمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَصَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ»^۲ امام صادق علیه السلام نیز در ردّ

* محقق و نویسنده.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۰۸.

کسانی که ایمان را تنها معرفت قلبی دانسته، نقشی برای عمل قایل نیستند، می‌فرماید:

«الْإِيمَانُ عَمَلٌ كَلْمٌ»^۱

ب. بعضی‌ها «دین‌دان» اند، ولی «دین‌دار» نیستند. شناخت اسلام، منهای تعبد و عمل به آن، ارزشی ندارد. بسیاری از اسلام‌شناسان غربی و مستشرقان مسیحی و یهودی، اسلام و احکام دین و مفاهیم قرآن را بهتر از مسلمانان می‌دانند، ولی آن را نپذیرفته‌اند. پس، «دین‌داری» مهم است؛ نه «دین‌دانی». در بحث شاخصه‌های دین‌داری نباید این نکته را از یاد بُرد و بایسته است که به ابعاد عملی و رفتاری اسلام توجه خاص داشت.

ج. در بسیاری از روایات، تعبیری از این قبیل دیده می‌شود: «مسلمان نیست کسی که...»، «کسی که فلان چیز را ندارد، دین ندارد»، «کمال ایمان در...»، «مطیع خدا کسی است که...» یا «مؤمن و مسلمان کسی است که...». همه این موارد مشابه، می‌تواند ما را در دستیابی به شاخصه دین‌داری و مسلمانی کمک کند. طبعاً چون در این مقاله، بنای پژوهش جامع و گسترده نیست، می‌توانید این موارد را هم در نظر داشته باشید و اگر به منابع دسترسی دارید، بیشتر تحقیق کنید.

د. بحث شاخصه‌های دین‌داری، ما را با سلسله ملاک‌ها و معیارهایی آشنا می‌سازد که از نگاه اولیای دین، مهم است و باید تدین و تعهد خویش به فرمان‌های دین را با این شاخصه‌ها بسنجیم و اگر کاستی و خللی در عمل ما وجود دارد، آن را تصحیح و جبران کنیم. این بحث، همچون یک آینه، سیمای مسلمان دین‌دار را نشان می‌دهد. مقایسه خود با این الگوی متعالی، می‌تواند برای همه ما سازنده باشد و رفتارمان را تصحیح کند.

در ادامه، مروری بر شاخصه‌های دین‌داری در کلمات نورانی حضرت علی علیه السلام داریم:

۱. معرفت دینی

تا کسی دین خدا را نشناسد، چگونه می‌تواند به آن عمل کند و تا کسی «دین‌دان» نشود، چگونه می‌تواند «دین‌دار» باشد؟ در کلمات حضرت علی علیه السلام، شناخت دین، یکی از

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۲۹

شاخصه‌ها به شمار آمده؛ از جمله حضرت تأکید می‌کند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»^۱ سرآغاز دین، خداشناسی است.» و یا «مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ»^۲ شناخت دانش، دینی است که پذیرفته و به آن عمل می‌شود.»

پس، باید در زندگی ایمانی، سهمی برای دین‌شناسی و ارتقای بصیرت دینی اختصاص داد و مسائل فرهنگی را مهم شمرد.

۲. ترک گناه

دین‌داری، با پیروی از هوای نفس و ارتکاب گناه، ناسازگار است. دین‌دار واقعی، کسی است که در جست‌وجوی رضای الهی باشد و رضای خدا در ترک گناه است. حضرت امیر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

– «مَنْ بَادَرَ إِلَيَّ مَرَاضِي اللَّهِ وَتَأَخَّرَ عَنِ مَعْاصِيهِ فَقَدْ أَكْمَلَ الطَّاعَةَ»^۳ هر که به سوی کارهای خداپسند بشتابد و در پی رضای حق و ترک گناهان باشد، طاعتش را کامل ساخته است.»

– «مِنَ الدِّينِ التَّجَاوُزُ عَنِ الْحَرَامِ»^۴ گذشتن از حرام، از دین است.»

– «مِلَاكُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى»^۵ معیار دین، مخالفت با هوای نفس است.»

۳. عمل صالح

درختان را از طریق میوه‌هایش می‌شناسند. «عمل صالح»، میوه ایمان راستین مسلمان است و به وسیله اعمال اشخاص، میزان تعهدشان به دین شناخته می‌شود. امام علی علیه السلام فرموده:

– «بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيْمَانِ»^۶ با عمل‌های صالح، به ایمان کسی استدلال می‌شود (عمل صالح، دلیل دین‌داری است).»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. همان، حکمت ۱۴۷.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۷۳۴۶.

۴. همان، ح ۸۶۹۴.

۵. همان، ح ۹۰۵۶.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

«يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ»^۱ [انسان تقوایپیشه،] اعمال صالح انجام می‌دهد؛ در عین حال، باز بیمناک است.»
سعیدیا گرچه سخن‌دان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست

۴. اهتمام به واجبات

بالاترین تکلیف، «عمل به واجبات» است. دین‌داری هرکس، از میزان اهتمام او به واجبات و ادای تکالیف الهی شناخته می‌شود و ضایع‌ساختن فرایض، بیشترین ضربه را به دین می‌زند. ترک واجبات، نخستین گام فروپاشی بنیان دین‌داری است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:
«مَا أَوْهَنَ الدِّينَ كَتَضْيِيعِ الْفَرَائِضِ»^۲؛ هیچ چیز، مانند تباه‌ساختن واجبات، دین را سست نمی‌کند.»

— حضرت در وصیت‌نامه‌اش پس از ضربت‌خوردن، بر نماز تأکید می‌کند و آن را ستون دین می‌داند؛ «فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»^۳

— در عهدنامه مالک اشتر تأکید بسیاری به «اقامه فرایض» دارد که خالص‌کننده دین برای خدا و عبادت ویژه‌ای است. توصیه حضرت آن است که مسلمان در روز و شب، حق نماز را ادا کند و به آن اهمیت دهد؛ «وَلْيَكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ بِهِ لِلَّهِ دِينَكَ إِقَامَةَ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ»^۴

ترک واجبات و پرداختن به مستحبات، مثل آن است که جاده اصلی خراب باشد؛ اما به بازسازی حاشیه یا جاده فرعی پردازیم.

۵. صدق و امانت

در رهنمودهای معصومان علیهم السلام آمده که به زیادی نماز و روزه افراد نگاه نکنید؛ بلکه مردم را در عرصه «صدق» و «امانت» بیازمایید؛ یعنی راستگویی و امانت‌داری، شاخصه مهم

۱. همان، خطبه ۱۹۳.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم والمواعظ*، ج ۲، ح ۸۸۶۸.

۳. *نهج البلاغه*، نامه ۴۷.

۴. همان، نامه ۵۳.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۱

دین‌داری است و هر که امین و راستگو نباشد، دین ندارد. این نکته در کلمات امام علی علیه السلام هم آمده:

«أَدُّ الْأَمَانَةَ إِذَا أُتْمِنْتَ وَلَا تَتَّهِمْ غَيْرَكَ إِذَا أُتْمِنْتَ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛^۱ اگر امین شمرده شدی، امانت را برگردان و اگر کسی را امین قرار دادی، به او تهمت مزن. همانا کسی که امانت ندارد، ایمان ندارد.»

«يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِصِدْقِهِ وَوَرَعِهِ؛^۲ صدق و پرهیزکاری شخص، دلیل دین‌داری اوست.»

«جَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ؛^۳ از دروغ پرهیزید؛ چراکه دروغ، با ایمان ناسازگار است.»

حضرت اسماعیل علیه السلام با شخصی قرار گذاشت؛ ولی او در وعده‌گاه حاضر نشد. آن حضرت، مدت بسیاری در آنجا به انتظار وی نشست؛ به گونه‌ای که غیبت طولانی ایشان، سبب نگرانی پیروانش گردید. سرانجام، فردی که بر حسب اتفاق از آنجا می‌گذشت، حضرت را دید و گفت: ای پیامبر خدا! ما بر اثر تأخیر شما نگران شده‌ایم. حضرت فرمود: من با فلان کس در اینجا وعده دیدار دارم؛ ولی او نیامده است و تا او نیاید، من از اینجا نمی‌روم! آن مرد جریان را به مردم خبر داد و آنها به سراغ شخص مورد نظر رفتند و او را نزد آن حضرت آوردند. مرد با شرمساری گفت: ای پیامبر خدا! من قرار دیدار با شما را فراموش کردم. ایشان فرمود: اگر نیامده بودی، من همچنان در اینجا می‌ماندم.^۴

در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز آمده است که ایشان روزی کنار سنگی با شخصی وعده دیدار داشتند. آفتاب بالا آمد و هوا گرم شد؛ ولی او همچنان نیامد. یاران آن حضرت به ایشان گفتند: خوب است که از آفتاب به سایه بیایید. حضرت فرمود: من با او در اینجا وعده دیدار دارم و تا او نیاید، از اینجا حرکت نخواهم کرد.^۵

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم والمواعظ*، ج ۱، ح ۲۲۱۶.

۲. همان، ج ۲، ح ۱۰۱۴۶.

۳. همان، ج ۱، ح ۴۶۳۶.

۴. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۵، ص ۹۵.

۵. همان.

۶. وفای به عهد

وفا به عهد و پیمان، پایبندی به تعهدات و قول و قرارها و احترام قایل شدن برای تعهد و امضا و قرارداد، نشانه دین داری است. خُلف وعده و عمل نکردن به قول و تعهد، نشانه ضعف ایمان است. قرآن کریم یکی از نشانه‌های مؤمنان رستگار را پایبندی به عهد و میثاق می‌داند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرمود:

– «مِنْ دَلَائِلِ الْإِيمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؛^۲ از نشانه‌های ایمان، وفای به عهد است.»

– «مِنْ أَفْضَلِ الْإِسْلَامِ الْوَفَاءُ بِالذِّمَامِ؛^۳ از برترین دستورهای اسلام، وفا به پیمان‌هاست.»

– حضرت در عهدنامه مالک اشتر به وفای به عهد فرامی‌خواند: «فَحَطُّ عَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ وَأَرْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ»^۴

– همچنین از پیمان‌شکنی و زیر پا گذاشتن تعهدات نهی می‌کند: «فَلَا تَعْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَلَا تَخِيْسَنَّ بَعْدِكَ»^۵

پس، آنان که خیلی راحت، زیر قولشان می‌زنند و به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند، در دین داری ضعیف‌اند.

گویند روزی امام سجاد علیه السلام از یکی از یاران خویش، ده‌هزار درهم قرض خواست. وقتی که شخص در برابر این مبلغ از حضرت تقاضای وثیقه کرد، امام نخعی از عبای خود کشید و به او داد و فرمود: این، وثیقه من است و تا موقع ادای دین، نزد تو باشد. پس از مدتی، امام پول شخص را آماده کرد و فرمود: پولت حاضر است؛ وثیقه مرا بیاور. آن شخص که قصد برگرداندن نخ را نداشت، گفت: من نخ عبا را گم کرده‌ام. حضرت فرمود: در این صورت،

۱. مؤمنون، آیه ۸.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۷۲۴.

۳. همان، ح ۸۷۱۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. همان.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۳

طلب خود را نخواهی گرفت؛ زیرا تعهد با دیگران را نباید ناچیز انگاشت. به‌ناچار، مرد نخ عبا را به امام برگرداند و پول خویش را دریافت کرد.^۱

۷. تقوا و پارسایی

مراقبت از حدود الهی، زیر پانگذاشتن فرمان خدا، جرئت بر گناه نداشتن، تقوا و پرهیزکاری، از شاخصه‌های دین‌داری است. ورع و تقوا، هم نگهبان دین است، هم محافظ دین‌دار، هم حفاظ مسلمانی است و هم نگهدارنده انسان از فساد اخلاقی و آلوده‌شدن به معاصی. دین‌داری، با بی‌پروایی و بی‌مبالاتی ناسازگار است و دین‌دار، خود را در حصار امن تقوا قرار می‌دهد. حضرت امیر علیه السلام در این زمینه فرموده:

«يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقَى وَمَلِكِ الشَّهْوَةِ وَغَلَبَةِ الْهَوَى؛^۲ بر ایمان شخص، با تقوا، مالک شهوت‌بودن و چیرگی بر هوای نفس دلیل آورده می‌شود.»

۸. فداکردن دنیا برای دین

از نوع انتخابی که انسان بر سر دو راهی‌ها انجام می‌دهد، میزان اهتمام او به امور به دست می‌آید. بعضی‌ها برای تأمین دنیا، از دین مایه می‌گذارند و دین را خرج دنیایشان می‌کنند. بعضی هم حاضر نیستند برای رسیدن به دنیا، ذره‌ای به دینشان آسیب بزنند. پس، فداکردن دنیا برای دین، یکی دیگر از شاخصه‌های دین‌داری است. امام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران حکومتی، از سوء استفاده‌های مالی او در خصوص بیت‌المال انتقاد کرده، می‌فرماید:

«لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ دِينِكَ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛^۳ با نابودکردن دینت، دنیای خودت را آباد مکن که از زیان‌کارترین افراد خواهی بود.»

۱. همان، ج ۴۶، ص ۱۴۷. (با اندکی ویرایش)

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم والمواعظ*، ج ۲، ح ۱۰۱۷۸.

۳. *نهج البلاغه*، نامه ۴۳.

بدتر از این، جایی است که کسی دین خود را فدای دنیای دیگران کند؛ مثل عمرو عاص که به نفع معاویه دین فروشی می کرد. حضرت در نامه‌ای خطاب به او می نویسد:

«فَأِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَا أَمْرِي ظَاهِرٌ غَيْبٌ...»^۱ دین خودت را تابع دنیای کسی کرده‌ای که گمراهی‌اش آشکار، بی پرده و بی آبروست... (یعنی معاویه).

در پاسخ به درخواست‌های ناحق برادرش عقیل از بیت‌المال، در خطبه‌ای فرمود: برادرم پنداشته که دینم را به او می فروشم و تسلیم خواسته‌اش می شوم و از روش عادلانه‌ام عدول می کنم؛ «فَظَنَّ أَنِّي أُبِيعُهُ دِينِي وَأَتَّبِعُ قِيَادَهُ مُفَارِقًا طَرِيقَتِي».^۲ سپس حضرت آهن گذاخته را به دست عقیل نزدیک می کند و بیان می دارد که اگر اقالیم هفت گانه را به من بدهند تا برگری را از دهان ملخی بگیرم، چنین نخواهم کرد.

همچنین در نامه‌ای در اعتراض به خیانت مالی یکی از والیان، نوشته است:

«تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ آخِرَتِكَ وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ»^۳ دنیای خود را به بهای خراب کردن آخرت، آباد می کنی و با بریدن از دینت، به بستگان می رسی.

سخنان حضرت در این مورد، بسیار است؛ چرا که گرفتار کسانی بود که برای رسیدن به دنیا، دین خود را حراج می کردند.^۴

۹. ضابطه‌های مکتبی در روابط

اگر با کسانی رابطه دوستی داریم یا قطع رابطه می کنیم، بر چه اساسی است؟ معیارهای ما در دوستی‌ها و دشمنی‌ها، رابطه‌ها و قطع رابطه‌ها، پول دادن‌ها و ندادن‌ها، حمایت کردن یا موضع گرفتن‌ها چیست؟ شاخصه دین داری آن است که همه اینها برای خدا و با انگیزه‌های مکتبی باشد؛ نه بر اساس تعصب‌های دوستی و فامیلی یا مصلحت‌اندیشی‌های دنیایی یا نفع‌طلبی‌های مادی یا کینه‌ورزی‌های شخصی. حضرت می فرماید:

۱. همان، نامه ۳۹.

۲. همان، خطبه ۲۲۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۰۶.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۵

«مَنْ أَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ وَأَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ؛^۱ هر کس در راه خدا عطا کند و در راه خدا منع کند و در راه خدا دوستی کند یا دشمنی نماید، ایمانش را به کمال رسانده است.»

نیز: «الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ وَبُغْضُهُ لِلَّهِ وَأَخْذُهُ لِلَّهِ وَتَرْكُهُ لِلَّهِ؛^۲ مؤمن، کسی است که دوستی و دشمنی و گرفتن و نگرفتنش، برای خدا باشد.»

در خطبه‌ای که ریشه پیدایش فتنه‌ها را بیان می‌کند، به تعصب‌ها و حمایت‌های بدون معیار الهی از افراد گمراه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛^۳ کسانی با افرادی دیگر، بر اساس غیردین خدا، همبستگی و دوستی می‌کنند.» (پیوندهای غیرمکتبی)

حضرت، در یک جا برادری بر مبنای معیارهای خدایی را می‌ستاید (أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ)^۴ و در جای دیگر، از برادری‌ها و پیوندهای مکتبی حمایت می‌کند (وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ).^۵ پس، کسی دین‌دار است که برای همه کارها و روابط و مواضعش، مبنای دینی و محمل و مستند مکتبی داشته باشد و بتواند کارهایش را به حساب خدا و برای او انجام دهد؛ به بیان دیگر، مکتبی عمل کند و نه سیاسی و بانندی یا حزبی و گروهی.

۱۰. تعادل در حال خشم و رضا

بعضی‌ها اگر از چیزی یا کسی خوششان می‌آید، همه عیوب و زشتی‌ها و خلاف‌های او را نادیده می‌گیرند یا اگر از فردی بدشان آید، به جهت بغض، از حد حق و عدالت فراتر می‌روند. اعتدال، شاخصه دین‌داری است؛ انسان معتدل، نه در حالت غضب به بیراهه

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۹۰۳۱.

۲. همان، ح ۱۷۴۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

۴. همان، خطبه ۱۱۳.

۵. همان، خطبه ۱۱۸.

می رود و بیهوده می گوید و نه در حالت رضا، به باطل و بیراهه می گزود. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيمَانَهُ: مَنْ إِذَا رَضِيَ لَمْ يُخْرِجْهُ رِضَاهُ إِلَى بَاطِلٍ وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ عَنِ الْحَقِّ وَإِذَا حَكَمَ لَمْ يَأْخُذْ مَا لَيْسَ لَهُ؛^۱ سه چیز است که در هر که باشد، ایمانش به کمال رسیده است: کسی که هرگاه در حال رضایت است، خشنودیش او را به باطل نکشد؛ هرگاه خشمگین است، غضبش او را از حق به در نبرد و هرگاه حکم می کند، آنچه را که حق او نیست، نگیرد.»

نیز: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ أَكْمَلَ الْإِيمَانَ: الْعَدْلُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَعْتِدَالُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ؛^۲ سه چیز است که در هر کس باشد، ایمانش را کامل ساخته است: عدالت در حال غضب؛ رضا و میانه روی در حال فقر و ثروتمندی؛ توازن بیم و امید.»
دین دار، از دو حالت افراط و تفریط، دور است و توازن، بر اندیشه و قضاوت و عملش حاکم می باشد.

۱.۱. دوری از هواپرستی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اولیای دین، جهاد با نفس و مبارزه با هوای نفسانی را «جهاد اکبر» نامیده اند. خیلی ها به واسطه هوای نفس و شهوت و تمایلات نفسانی، از دایره دین خارج می شوند. دین دار، کسی است که بر نفس اماره مهار زند و بر خویشتن امیر باشد؛ نه آن که اسیر نفس گردد. در این زمینه، کلمات حضرت بسیار است؛ از جمله:

– «طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّينَ؛^۳ پیروی از شهوت، دین را تباه می سازد.»

– «مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى وَمَا أَهْلَكَ الدِّينَ كَالْهُوَى؛^۴ هیچ چیز مانند تقوا، دین را به صلاح نمی رساند و هیچ چیز مثل هوای نفس، دین را نابود نمی کند.»

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۱، ح ۴۵۷۷.

۲. همان، ح ۴۵۷۳.

۳. همان، ح ۵۸۰۰.

۴. همان، ج ۲، ح ۸۸۴۹.

– «لَا دِينَ مَعَ هَوَىٰ؛^۱ با هوای نفس، دین باقی نمی‌ماند.»

– «الْمُؤْمِنُ أَمِيرٌ عَلَىٰ نَفْسِهِ مُعَالِبٌ هَوَاهُ وَحِسَّهٗ؛^۲ مؤمن، بر نفس خویش امیر است و بر هوای نفس و حسّ خود، غلبه دارد.»

۱۲. دین‌داری واقعی؛ نه زبانی

خیلی‌ها دم از دین می‌زنند؛ ولی باورهای دینی در عمق وجودشان رسوخ نکرده است. سید الشهداء علیه السلام مردم را بردگان دنیا دانسته که دین، تنها بر زبانشان جاری است و اگر گرفتار امتحان شوند، شمار دین‌داران اندک می‌شود.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها، زبان به نکوهش انسان‌های ضعیف‌الایمان گشوده و فرموده: مردم به اندکی از دنیا که می‌رسند، شاد می‌شوند؛ ولی مقدار زیادی از آخرت که از دستشان می‌رود، غصّه نمی‌خورند و یا برای اندک دنیایی که از دست می‌دهند، آشفته می‌شوند و آخرت را از یاد می‌برند. ایشان در ادامه می‌افزاید: «وَصَارَ دِينَ أَحَدِكُمْ لِعَقَّةٍ عَلَىٰ لِسَانِهِ؛^۳ دین هریک از شما، لقلقهٔ زبانش شده است.»

دین‌داری شخص، باید ریشه‌دار و همه‌جانبه باشد؛ نه تنها زبانی یا تا وقتی که منافع دنیوی‌اش تأمین شود.

۱۳. امر به معروف و نهی از منکر

در تعالیم دینی، این دو فریضه الهی، «اسمی الفرائض» و والاترین واجبات به شمار آمده، به وسیلهٔ این دو فریضه، واجبات دیگر بر پا می‌شود (بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ). اگر کسی نسبت به انجام این دو واجب، کوتاهی کند و برایش مهم نباشد، دچار ضعف ایمان است. تلاش در راه احیای معروف و مبارزه با منکرات، شاخصهٔ دین‌داری است. امیر مؤمنان علیه السلام در سخن جامعی که به مراتب سه‌گانهٔ قلبی، زبانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد، دربارهٔ کسانی که نه در قلب، از منکرات بدشان می‌آید، نه به زبان اعتراض می‌کنند و نه

۱. همان، ح ۹۷۰۲.

۲. همان، ج ۱، ح ۲۰۶۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

اقدام عملی دارند، آنان را مرده‌های زنده‌نما می‌داند: «وَمِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَيَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ»^۱

ابوذر غفاری، الگویی برای دین‌داران واقعی است که اهل امر به معروف و نهی از منکر بود و در این راه، تبعید شد و در تبعیدگاه ریزه، غریبانه به شهادت رسید. علی علیه السلام در بدرقه ابوذر، در حمایت از این تعهد و دین‌داری‌اش فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مَنْ غَضِبْتَ لَهُ إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَخَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ؟^۲ ای اباذر! تو برای خدا خشم گرفتی. پس، به همان خدا امیدوار باش که برایش خشم کردی. این جماعت، از تو بر دنیایشان ترسیدند؛ ولی تو از اینان بر دین خویش ترسیدی.»

چنین است که اگر کسی نگران ضربه به دین باشد، به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کند؛ چون در ترک این وظیفه، اعتقادات و اخلاق و دیانت مردم لطمه می‌بیند و فساد همه جا را می‌گیرد. دین‌دار، کسی است که در برابر بی‌دینی‌ها و منکرات بی‌تفاوت نباشد و احساس مسئولیت کند.

۱۴. ظلم‌ستیزی

از توصیه‌های حضرت علی علیه السلام در بستر شهادت، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم بود؛ «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۳ به تعبیر حضرت امیر علیه السلام هم ظلم و بیداد، دین را نابود می‌کند و هم بی‌تفاوتی در برابر ستم ظالمان؛ «إِنَّ الْبَغْيَ وَالزُّورَ يُوتِعَانِ الْمَرْءَ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ»^۴ تجاوز و ناروا، دین و دنیای انسان را نابود می‌سازند.

در خطبه معروف جهادیه، با اشاره به اینکه مردان غارتگر معاویه به مناطق مسلمان‌نشین حمله کرده، خلخال و زیورهای زنان را به غارت برده‌اند و کسی در مقابل آنان ایستادگی نکرده، می‌فرماید:

۱. همان، حکمت ۳۷۴.

۲. همان، خطبه ۱۳۰.

۳. همان، نامه ۴۷.

۴. همان، نامه ۴۸.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۳۹

«فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ جَدِيرًا؛^۱ اگر مسلمانی پس از این واقعه از غصه بمیرد و دق کند، جای ملامت نیست؛ بلکه سزاوار است که مسلمان، از این درد بمیرد.»

غیرت‌ورزی در برابر ظلم متجاوز، شاخصه دین‌داری است و کسی که برایش فرقی نکند، دین ندارد. همچنان‌که پیامبر فرمود: «هر کس صبح کند، در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست (فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ)».

۱۵. پرهیز از مردم‌آزاری

از شاخصه‌های واضح و حتمی دین‌داری، پرهیز از آزاررساندن به مسلمانان است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^۲

این سخن را حضرت امیر علیه السلام در یکی از خطبه‌های آغاز خلافتش نقل فرمود و ضمن فراخواندن مسلمانان به انجام فرایض و پرهیز از محرّمات و رعایت حلال و حرام الهی، بر مراعات حقوق مسلمانان تأکید نمود و از آزار مسلمان برحذر داشت و بر رعایت امر خدا در مورد بندگان و بلاد توصیه نمود و حتی حقوق حیوانات را یادآور شد.^۳

۱۶. موارد دیگر

حضرت در سخنانی حکیمانه درباره دین‌دار واقعی و نشانه‌های دین‌داری می‌فرماید:

– «لَا دِينَ لِخَدَّاعٍ؛^۴ نیرنگ‌باز، دین ندارد.»

– «لَا دِينَ لِسَيِّئِ الظَّنِّ؛^۵ بدگمان، دین ندارد.»

– «دَلِيلُ دِينِ الرَّجُلِ وَرَعُهُ؛^۶ گواه دین‌داری مرد، پرهیزکاری اوست.»

۱. همان، خطبه ۲۷.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۸۷۷۸.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۴. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۹۹۴۴.

۵. همان، ح ۹۸۷۲.

۶. همان، ج ۱، ح ۴۹۸۱.

«الدِّينُ يُصَدُّ عَنِ الْمَحْرَمِ؛^۱ دین، انسان را از حرام‌ها باز می‌دارد.»

«ثَلَاثٌ هُنَّ مِنْ كَمَالِ الدِّينِ: الْإِخْلَاصُ وَالْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ؛^۲ سه چیز، نشانه کمال ایمان است: اخلاص، یقین و قناعت.»

«إِنَّ الدِّينَ لَشَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَتَمَرُهَا الْمُؤَالاةُ فِي اللَّهِ وَالْمُعَادَاةُ فِي اللَّهِ؛^۳ دین، همانند درختی است که اصل و ریشه آن، ایمان به خداست و میوه آن، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداوند است.»

گواه این سخن، عمل امیر مؤمنان علیه السلام و مسلمانان دیگر در جبهه‌های جهاد است. امام، صحنه‌های درگیری مسلمانان با دشمنان را ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «ما در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله با پدران و فرزندان و برادران و عموهایمان [که در جبهه شرک بودند،] می‌جنگیدیم و این نبرد با مخالفان، بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود (مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا).^۴ این، همان ولایت و برائت مکتبی در برخورد با خودی و بیگانه است.

از مجموع این چند حدیث، برمی‌آید که پرهیز از نیرنگ و حيله‌گری و بدگمانی، داشتن ورع و پارسایی، پرهیز از حرام‌های الهی، اخلاص، یقین، قناعت، موالات و معادات (تبری و تولی)، از شاخصه‌های دین‌داری است.

کلامی جامع

افزون بر همه موارد یادشده، سخنی شیوا و سرشار از نکته، از امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه آمده که مجموعه‌ای از خصلت‌های مؤمن راستین را بیان می‌کند و از دوگانگی حرف و عمل، ظاهر و باطن یا ادعا و رفتار پرهیز می‌دهد که همه این اوصاف را می‌توان در زمرة شاخص‌های دین‌داری برشمرد. بخشی از این کلام نورانی، به قرار ذیل است:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بغيرِ عَمَلٍ و [يَرْجُو] يَرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِبِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَإِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجِزُ عَنِ

۱. همان، ح ۳۳.

۲. همان، ح ۴۵۷۰.

۳. همان، ح ۳۷۳۵.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

مجلس هجدهم: شاخصه‌های دین‌داری از نگاه امام علی علیه السلام ■ ۲۴۱

شُكْرٍ مَا أُوتِيَ وَيَبْتَغِي الزَّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ. يَنْهَى وَلَا يَنْتَهَى وَيَأْمُرُ [النَّاسَ بِمَا لَمْ يَأْتِ] بِمَا لَا يَأْتِي.
يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ وَيُبْعِضُ الْمُذْنِبِينَ وَهُوَ أَحَدُهُمْ يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ وَيُقِيمُ
عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ مِنْ أَجَلِهِ...^۱

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای طولانی به تأخیر می‌اندازد. در دنیا حرف زاهدانه می‌زند، ولی عملش در دنیا، دنیاگرانه است. اگر از دنیا برخوردار شود، سیر نمی‌شود و اگر تهیدست گردد، قناعت نمی‌کند. از شکر آنچه دارد، ناتوان است؛ ولی در پی زیادی است. نهی می‌کند، ولی خودش دست از گناه نمی‌کشد. امر می‌کند، ولی خودش انجام نمی‌دهد. صالحان را دوست دارد، ولی مثل آنان عمل نمی‌کند. گنهکاران را دشمن می‌دارد، در حالی که خودش از گنهکاران است. به جهت گناهان بسیارش، از مرگ خوشش نمی‌آید؛ ولی به همین حالت که هست، باز گناه می‌کند...»

این موعظه بلند، بخش‌های سودمند دیگری هم دارد که شایسته است مطالعه شود. از آنچه در همین بخش یاد شد، می‌فهمیم که دین‌دار، کسی است که:

- برای رستگاری آخرت، عمل صالح انجام دهد؛
- از گناهانش زود توبه کند؛
- بین گفتار و رفتارش همگونی وجود داشته باشد؛
- اهل قناعت و شکر باشد؛
- به آنچه امر می‌کند، خودش هم عمل کند؛
- اگر از گناهی نهی می‌کند، خودش مرتکب آن نشود؛
- اگر نیکان را دوست دارد، در عمل به آنان اقتدا کند؛
- اگر از اهل معصیت بدش می‌آید، خودش گناه نکند؛
- و اگر از پیامدهای گناه نگران است، فوری گناهان را ترک کند.

در یک کلمه، «دین‌دار» کسی است که اهل ایمان، تقوا، اخلاص، عمل صالح، عامل به واجبات، تارکِ محرّمات، در پی رضای خدا، رها از سلطهٔ نفس اماره و امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر باشد.

آری، شاخص عینی و الگوی عملی، امام علی علیه السلام است که زندگی و سیره‌اش، «آینه قرآن و دین» است. باید «علی‌شناس» بود، تا به شاخصه‌های دین‌داری رسید.